

**جزیره خضرا از واقعیت تا افسانه**

مدیر مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه ضمن بیان داستان «جزیره خضرا» و نقد برخی ادعاها درباره وجود آن در دریای سفید یا مثلث برمودا، به بررسی سندی و محتوایی آن پرداخت.



حجت‌الاسلام کلباسی در گفت‌وگو با فارس بررسی کرد جزیره خضرا از واقعیت تا افسانه/ آیا خضرا در مثلث برمودا قرار دارد  
مدیر مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه ضمن بیان داستان «جزیره خضرا» و نقد برخی ادعاها درباره وجود آن در دریای سفید یا مثلث برمودا، به بررسی سندی و محتوایی آن پرداخت.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، در ادامه سلسله مباحث «جزیره خضرا» و انتظارات؛ گفت‌وگوی مشروحی با حجت‌الاسلام والمسلمین «مجتبی کلباسی»؛ استاد مرکز تخصصی مهدویت و بنیاد فرهنگی مهدی موعود و مؤلف کتاب پژوهشی درباره جزیره خضرا انجام دادیم که بخش نخست آن تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود.

چرا باید درباره جزیره خضرا تحقیق کرد؟

حجت‌الاسلام کلباسی در ابتدای این گفت‌وگو بیان داشت: تاریخ جهان اسلام و عقاید که در بستر آن ظهور و بروز کرده، اقیانوسی متلاطم و بی‌کران است. حرکت در امواج متلاطم و گاه ظلمانی این اقیانوس، نیازمند وسیله‌ای مطمئن و راهنمایی دریا دیده است و در غیر این صورت نمی‌توان راهی به ساحل نجات یافت.

وی گفت: عقاید، اخبار و احادیثی که در بستر این فرهنگ، نیازمند بررسی و نقد هستند، کم نیستند. فقهای اسلام، از عصر غیبت تاکنون سعی بر حراست اخبار و احادیث از نفوذ خطاها، تحریف‌ها و انحرافات داشته‌اند، اگر زحمات آن بزرگواران نبود، سرنوشت اسلام و تشیع دست‌خوش مخاطرات عظیم فکری می‌شد و راه کشف حقیقت بر همگان مسدود می‌شد.

حجت‌الاسلام کلباسی گفت: از داستان‌هایی که تحت تأثیر حوادث زمان خود، پدید آمده و پس از مقداری تحریف، تطبیقی بی‌جا درباره آن صورت گرفته، و در برخی کتب روایی شیعه نفوذ کرده است، داستانی است به نام «جزیره خضرا». از آن‌جا که در دو دهه گذشته با قلم‌فرسایی برخی افراد بی‌اطلاع از تاریخ، این داستان منتشر شده و به علاوه در تکلفی ناشیانه، آن را بر مثلث برمودا تطبیق کرده‌اند لازم است درباره این واقعه، کنکاش بیش‌تری صورت گیرد تا ذهن ارادتمندان به حضرت ولی عصر (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) از این گونه خطاها پیراسته شود.

داستان اول در مورد جزیره خضرا

استاد مرکز تخصصی حوزه علمیه قم گفت: در مورد جزیره خضرا دو داستان نقل شده که ما هر دو را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

وی ادامه داد: علامه مجلسی در بحارالانوار (جلد 52، صفحه 159) می‌نویسند: رساله‌ای یافتم مشهور به داستان جزیره خضرا و چون آن را در کتاب‌های روایی ندیدم، عین آن را در فصل جداگانه‌ای آوردم.

وی گفت: در آن متن (به طور خلاصه) چنین آمده است: من (فضل‌بن یحیی کوفی) در سال 699 هجری قمری در کربلا از دو نفر از دوستان، داستانی شنیدم. آن‌ها داستان را، از زین‌الدین علی‌بن فاضل مازندرانی نقل می‌کردند. داستان مربوط به جزیره خضرا در دریای سفید بود. مشتاق شدم داستان را از خود علی بن فاضل مازندرانی بشنوم. به همین دلیل به حله رفتم و در خانه سید فخرالدین، با علی بن فاضل ملاقات کردم و اصل داستان را جويا شدم. او، داستان را در حضور عده‌ای از دانشمندان حله و نواحی آن چنین بازگو کرد:

«سال‌ها در دمشق، نزد شیخ عبدالرحیم حنفی و شیخ زین‌الدین علی مغربی اندلسی تحصیل می‌کردم. روزی شیخ مغربی عزم سفر به مصر کرد. من و عده‌ای از شاگردان با او همراه شدیم. به قاهره رسیدیم. استاد مدتی در الازهر به تدریس پرداخت، تا این‌که نامه‌ای از اندلس آمد که خبر از بیماری پدر او می‌داد. استاد عزم اندلس کرد. من و برخی شاگردان با او همراه شدیم. به اولین قریه اندلس که رسیدیم، من بیمار شدم. استاد، به ناچار مرا به خطیب آن قریه سپرد و به سفر ادامه داد.

سه روز بیمار بودم، پس از آن، روزی اطراف ده قدم می‌زدم که کاروانی از طرف کوه‌های ساحل دریای غربی وارد شدند و با خود پشم و

روغن و کالاهای دیگر داشتند. پرسیدم: &#171;از کجا می‌آیید؟&#171; گفتند: &#171;از دهی در سرزمین بربرها که نزدیک جزایر رافضیان (شیعیان) است.&#171;

هنگامی که نام رافضیان را شنیدم، مشتاق زیارت آنان شدم. تا محل آنان، 25 روز راه بود که دو روز، بدون آب و آبادی و بقیه آباد بود. حرکت کردم و به سرزمین آباد رسیدم. به جزیره‌ای رسیدم با دیوارهای بلند و برج‌های مستحکم که بر ساحل دریا قرار داشت. مردم آن جزیره شیعه بودند و اذان و نماز آن‌ها بر هیأت شیعیان بود.

آنان از من پذیرایی کردند. پرسیدم: &#171;غذای شما از کجا تأمین می‌شود؟&#171; گفتند: از جزیره خضرا در دریای سفید که جزایر فرزندان امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) است و سالی دو بار، برای ما غذا می‌آورند.&#171;

منتظر شدم تا کاروان کشتی‌ها از جزیره خضرا رسید. فرمانده آن، پیرمردی بود که مرا می‌شناخت و اسم من و پدرم را نیز می‌دانست. او مرا با خود به جزیره خضرا برد.

شانزده روز که گذشت، آب سفیدی در اطراف کشتی دیدم و علت آن را پرسیدم. شیخ گفت: &#171;این دریای سفید است و آن جزیره خضرا. این آب‌های سفید، اطراف جزیره را گرفته است و هر گاه کشتی دشمنان ما وارد آن شود، غرق می‌گردد.&#171; وارد جزیره شدم. شهر دارای قلعه‌ها و برج‌های زیاد و هفت حصار بود. خانه‌های آن از سنگ مرمر روشن بود...

در مسجد جزیره با سید شمس‌الدین محمد که عالم آن جزیره بود، ملاقات کردم. او مرا در مسجد جای داد. آنان نماز جمعه می‌خواندند [و آن را واجب می‌دانستند]. از سید شمس‌الدین پرسیدم: &#171;آیا امام حاضر است؟&#171; گفت: &#171;نه ولی من نایب خاص او هستم.&#171; به او گفتم: &#171;امام را دیده‌ای؟&#171; گفت: نه ولی پدرم، صدای او را شنیده و جدم او را دیده است.&#171;

سید، مرا به اطراف برد. آن‌جا کوهی مرتفع بود که قبه‌ای در آن وجود داشت و دو خادم، آن‌جا بودند. سید گفت: من هر صبح جمعه آن‌جا می‌روم و امام زمان را زیارت می‌کنم و آن‌جا ورقه‌ای می‌یابم که مسائل مورد نیاز، در آن نوشته شده است.

من نیز به آن کوه رفتم و خدامان قبه از من پذیرایی کردند... درباره دیدن امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) از آنان پرسیدم؛ گفتند: &#171;غیر ممکن است.&#171;

درباره سید شمس‌الدین از شیخ محمد (که با او به خضرا آمدم) پرسیدم. گفت: &#171;او از فرزندان فرزندان امام است و بین او و امام، پنج واسطه است.&#171;

با سید شمس‌الدین، گفت‌وگوی بسیار کردم و قرآن را نزد او خواندم. از او درباره ارتباط آیات و این‌که برخی آیات، با قبل، بی‌ارتباط هستند، پرسیدم. پاسخ داد: &#171;...مسلمانان پس از رسول خدا و به دستور خلفا، قرآن را جمع‌آوری کردند؛ از همین رو، آیاتی را که در قح و مذمت خلفا بود، از آن، حذف کردند؛ به همین سبب، آیات را نامربوط می‌بینی؛ ولی قرآن علی (علیه‌السلام) که نزد صاحب‌الامر (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) است، از هر نقصی مبرا است و همه چیز در آن آمده است.&#171;

در جمعه دومی که آن‌جا بودم، پس از نماز، سر و صدای بسیار زیادی از بیرون مسجد، بلند شد. پرسیدم: &#171;این صداها چیست؟&#171; سید، پاسخ داد: فرماندهان ارتش ما، هر دو جمعه میانی ماه، سوار می‌شوند و منتظر فرج هستند.&#171; پس از این‌که آنان را بیرون مسجد دیدم، سید گفت: &#171;آیا آنان را شمردی؟&#171; گفتم: &#171;نه.&#171; گفت: &#171;آنان 313 نفر باقی مانده‌اند.&#171;

از سید پرسیدم: &#171;علمای ما احادیثی از امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) نقل می‌کنند که هر کس پس از غیبت، ادعا کند مرا دیده است، دروغ می‌گوید. حال چگونه است که برخی از شما او را می‌بینید؟&#171;

سید گفت: &#171;درست می‌گویی؛ ولی این حدیث، به زمانی مربوط است که دشمنان آن حضرت و فرعون‌های بنی‌العباس فراوان بودند. اما اکنون که این چنین نیست و سرزمین ما از آنان دور است. دیدار آن حضرت ممکن است.&#171;

سید شمس‌الدین ادعا کرد: &#171;تو نیز امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) را دو بار دیده‌ای؛ ولی نشناخته‌ای.&#171; همچنین گفت: &#171;آن حضرت، خمس را بر شیعیان خود، مباح کرده است و هر سال حج می‌گزارد و پدران‌ش را در مدینه، عراق و طوس زیارت می‌کند.&#171;

استاد مرکز تخصصی مهدویت گفت: از مهم‌ترین موضوعات در بررسی سند یک خبر، منابعی است که آن را خبر ذکر کرده‌اند. بدیهی است هر قدر، منابع خبر، به عصر صدور و حدوث آن، نزدیک‌تر باشد، اعتبار بیش‌تری خواهد داشت.

وی افزود: درباره داستان جزیره خضرا، چنانکه در اصل داستان آمده، راوی خبر، آن را در سال 699 قمری از علی بن فاضل در شهر حله شنیده است. آن زمان، حله شهری آباد بین بغداد و کوفه بوده است. از آن‌جا که کوفه و نجف، مرکز حوزه علمی شیعه بوده، خبرهای مهم مربوط که به مسائل عقیدتی، کلامی و فقهی شیعه، با اهمیت تلقی می‌شده و در آثار و نوشته‌ها منعکس می‌گشته است؛ ولی برخلاف اشتغال این داستان بر مطالب مهم و مطرح شدن آن در سامرا و حله و طبیعتاً در نجف، در هیچ‌یک از آثار مکتوب آن زمان (699 تا 1019 قمری) که به دست ما رسیده، این خبر انعکاس نیافته است.

حجت‌الاسلام کلباسی گفت: شهرت این داستان، از آغاز هزاره دوم - به ویژه زمان علامه مجلسی و ذکر آن در کتاب بحارالانوار - است. قبل از علامه، قاضی نورالله شوشتری (م 1019 ق) این حکایت را در کتاب مجالس المؤمنین آورده است. البته قاضی نورالله ادعا کرده که شهید ثانی، در برخی از امالی خود این داستان را ذکر کرده است؛ ولی هیچ مدرکی در این باره به دست نمی‌دهد؛ علاوه بر این که علامه مجلسی همه آثار شهید را در اختیار داشته است؛ در عین حال، در آغاز نقل داستان جزیره خضرا می‌گوید: «#171؛ این داستان را در کتاب‌های معتبر ندیدم». بدیهی است که اگر علامه مجلسی این خبر را در کتب شهیر دیده بود، آن را در بخش نادر کتاب ذکر نمی‌کرد و به جای انتساب آن به شخص مجهول، آن را به شهرت مستند می‌کرد!

#### مجهول بودن راوی و استنساخ کننده نسخه مکتوب داستان

نویسنده و پژوهشگر مسائل مهدویت گفت: عالمان و فقیهان اسلام در پذیرش یک کتاب یا نوشته و انتساب آن به نویسنده، فقط به ادعاها توجه نمی‌کنند؛ بلکه انتساب کتاب به نویسنده را زمانی معتبر می‌دانند که آن کتاب از طریق سلسله اجازات برای آنان نقل شده باشد؛ از همین رو، شاگردان یک مولف یا راوی، با اجازه از شیخ و استاد خود، مطالب را نقل کرده و آنان نیز این اجازه‌ها را به طبقه‌ی پس از خود منتقل می‌کردند.

وی گفت: در زمان‌های گذشته و قبل از عصر چاپ، آنچه موجب اعتماد به نسخه‌ها یا مکتوب خطی می‌شد، اجازه‌ای بود که مؤلف، با واسطه یا بدون آن، به افراد شناخته شده می‌داد. برای نمونه، مرحوم مجلسی در مجلدات آخر کتاب بحارالانوار، به ذکر اجازه‌های خود برای نقل از کتاب‌ها می‌پردازد و بدین ترتیب، نقل‌های خود را مستند می‌سازد.

وی تأکید کرد: نوشته جزیره خضرا اولاً هیچ ارتباط مستندی با نویسنده آن ندارد و هیچ مدرکی که صحت انتساب نوشته را نشان دهد، وجود ندارد. ثانیاً یابنده نسخه و کسی که می‌گوید: من جزوه را به خط فضل بن علی طیبی کوفی یافتم و آن را استنساخ کردم، شناخته شده نیست، تا بتوان درباره وثاقت یا عدم وثاقت او نظر داد. ثالثاً یابنده مجهول نوشته فضل بن علی طیبی، معلوم نیست از کجا تشخیص داده نوشته مزبور، خط فضل بن علی است. ناچار باید گفت: چون در خود متن، نویسنده به این مطلب اقرار کرده، یابنده، نسخه آن را به همان اسم نسبت داده است؛ ولی باید توجه داشت چنین انتساب‌هایی، ارزش علمی ندارد و چنان‌که قبلاً نیز گفته شد، نوشته‌ای را می‌توان مستند قرار داد و بدان استدلال کرد که دارای سلسله سند موثق و منتهی به نویسنده کتاب باشد؛ وگرنه هر کس می‌تواند نوشته‌ای بنویسد (چنان‌که برخی نوشتند و وارد اخبار کردند) و آن را به شخص مورد وثوقی نسبت می‌دهد؛ مثلاً بنویسد: این نوشته زراره بن اعین یا محمد بن ابی عمیر و... است.

#### بررسی شخصیت‌های داستان جزیره خضرا

استاد حوزه علمیه قم در ادامه گفت‌وگوی خود با فارس به بررسی بررسی شخصیت‌های داستان جزیره خضرا پرداخت و گفت: نام چند نفر در آغاز داستان آمده است که جز فضل بن علی، هیچ‌کدام شناخته شده نیستند و به گفته‌های آنان نمی‌توان استناد کرد.

وی گفت: علی بن فاضل که شاهد اصلی ماجرا و مدعی رفتن به جزیره خضرا و ... است جز به همین خبر شناخته شده نیست و عالمان رجال ذکری از او به میان نیاورده‌اند؛ و شخصیت‌هایی چون علامه حلی و ابن داود (صاحب کتاب رجال که تألیف آن، سال 707 ق به پایان رسیده است) که معاصر، یا نزدیک زمان نقل داستان بوده‌اند، هیچ نامی از علی بن فاضل به میان نیاورده‌اند؛ حال آن‌که خبر جنجالی او که علاوه بر جنبه‌های حساس کلامی، دارای ابعاد و احکام فقهی نیز هست، به طور طبیعی باید انعکاس گسترده‌ای در محافل علمی و دینی آن زمان داشته باشد.

مدیر مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه افزود: خلاصه سخن اینکه این خبر از نظر سند نه تنها ضعیف است، بلکه باید گفت فاقد استناد بوده و به جز نقل در کتب متأخرین - به ویژه پس از علامه مجلسی - هیچ مستند دیگری ندارد. بدیهی است چنین نقل‌هایی سبب ارزش و اعتبار خبر نمی‌شود.

شخصیت &#171;فضل بن یحیی بن علی طیبی کوفی&#171; چگونه است؟

حجت‌الاسلام کلباسی گفت: مجدالدین فضل بن یحیی بن علی بن المظفر بن الطیبی، به واسطه اجازه صاحب کشف الغمة از رجال موثق شمرده می‌شود؛ ولی نکته مهم آن‌که از کجا معلوم است فضل بن یحیی که در داستان جزیره خضرا به او منسوب است، همان فضل بن یحیی بن المظفر باشد؟ علاوه بر این که راوی کتاب (کسی که کتاب را برای ما نقل کرده است) نیز شخصی مجهول و ناشناخته است. همچنین شخصی که فضل بن یحیی از او نقل می‌کنند (علی بن فاضل) نیز ناشناخته است.

وی در پایان بررسی سندی این داستان گفت: بررسی این خبر از نظر سند، ابعاد دیگری نیز دارد؛ ولی برای رعایت اختصار به همین مقدار، بسنده می‌کنیم پس سند، معتبر نیست.

دلالت قصه بر تحریف قرآن / بررسی محتوایی داستان

کلباسی گفت: وقتی متن داستان را مورد بررسی قرار می‌دهیم از جمله مطالبی که ضمن گفت‌وگوی علی بن فاضل (مجهول) با شمس‌الدین (مجهول) آمده است، تصریح به تحریف قرآن است. یعنی کسی که این داستان را بپذیرد، باید با یک خبر که مجهول الراوی و در نهایت خبر واحد آن هم از غیر معصوم است، معتقد به تحریف قرآن باشد. حال آن‌که نقل قرآن متواتر است و نص قرآن نیز به حفظ آن از هرگونه تحریف، تصریح دارد و ادله فراوان عقلی و نقلی بر عدم تحریف قرآن داریم مگر آن‌که کسی مسلک دیگری را پذیرفته باشد، که با اخباری ضعیف و بی‌اعتبار مانند حدیث مذکور، مهم‌ترین و محکم‌ترین سند اسلام را تحریف شده بداند که این، نهایت بی‌فکری و کم‌خردی و دوری از عقل و منطق است.

حجت‌الاسلام کلباسی اضافه کرد: شمس‌الدین مذکور در قصه، به صراحت می‌گوید: قرآن جمع‌آوری شده در زمان خلفا، تحریف شده است. &#171;و جمعوا هذا القرآن و اسقطوا ما کان فیه من المطالب التي صدر منهم بعد وفاة سید المرسلین (صلی‌الله علیه وآله وسلم) فلهدا تری الآیات غیر مرتبطة&#171;

این استاد حوزه علمیه گفت: چگونه می‌توان قرآن متواتر و تضمین شده را که همه ائمه (علیهم‌السلام) به آن استناد می‌کردند، با چنین اخباری زیر سؤال برد؟ آیا کسانی که چنین مجعولاتی را رواج می‌دهند، به توابع آن توجه دارند؟

وی گفت: عیب دوم این است که راوی مجهول این خبر، &#171;علی بن فاضل&#171; که با نسبت مازندرانی از او یاد می‌شود، ضمن داستان، خود را عراقی الاصل معرفی می‌کند. اگر چه محتمل است شهرت یک نفر در انتساب به شهر، یا منطقه‌ای با اصالت او متفاوت باشد، ولی به نظر می‌رسد سازنده این داستان دچار اندک فراموشی شده است که یک بار او را به نام مازندرانی و بار دیگر، عراقی الاصل معرفی می‌کند.

این پژوهشگر مسائل مهدویت به عیب سوم این داستان اشاره کرد و گفت: سومین اشکال داستان این است که ضمن داستان، به نقل از خادمان قبه می‌نویسد: &#171;رؤیت امام غیر ممکن است&#171;؛ ولی در گفت‌وگوی با سید شمس‌الدین، او سخن دیگری بر زبان می‌راند و می‌گوید: &#171;برادرم! هر مؤمن با اخلاصی می‌تواند امام را ببیند؛ ولی او را نمی‌شناسد&#171;. حال چگونه می‌توان بین این دو ادعا جمع کرد؟

وی گفت: اشکال بعدی این‌که، یکی از روزهای جمعه وقتی علی بن فاضل، سر و صدای زیادی از بیرون مسجد می‌شنود و علت را از سید شمس‌الدین جویا می‌گردد، وی اظهار می‌دارد 300 نفر از فرماندهان، منتظر ظهور حضرت هستند و منتظر سیزده نفر دیگرند.

کلباسی گفت: برای ناشناس، بایستی این 300 نفر که از خواص حضرت هستند نیز دارای عمرهای طولانی باشند و تا اکنون در قید حیات بوده و در آینده نیز به زندگی ادامه دهند تا زمان ظهور فرا رسد. آیا بر چنین سخن گزارفی دلیلی داریم؟ دلایل طول عمر تنها درباره امام زمان و برخی دیگر از انبیای الهی است؛ ولی درباره 300 نفر که آنان نیز چنین عمرهایی داشته باشند، دلیلی در دست نداریم.

وی گفت: به مقتضای این خبر، خمس بر شیعیان حضرت، حلال است و ادای آن واجب نیست که این مطلب، بر خلاف نظر فقهای شیعه است.

استاد حوزه علمیه قم گفت: عیب‌های دیگر داستان اینکه: علی بن فاضل، از سید شمس‌الدین می‌پرسد: &#171;آیا تو امام را دیده‌ای؟&quot; می‌گوید: نه، ولی پدرم به من گفت سخن امام را شنیده، ولی شخص او را ندیده است و جدم سخنانش را شنیده و او را دیده است؛ ولی در جای دیگر همین داستان می‌خوانیم: شمس‌الدین گفت: &#171;هر مؤمن با اخلاص می‌تواند امام را ببیند؛ ولی او را نشناسد&quot;. گفتم: &#171;من از مخلصان هستم، ولی او را ندیده‌ام&quot;. گفت: &#171;دو بار او را دیده‌ای، یک بار در راه سامرا و یک بار در سفر مصر...&quot;. حال سؤال این است چگونه کسی که ادعای نیابت خاص دارد و از ملاقات‌های امام (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) آگاه است، خود آن حضرت را ندیده است و اظهار می‌کند پدرش، سخن آن حضرت را شنیده است؟

حجت‌الاسلام کلباسی ادامه داد: در جای دیگر داستان، ادعا می‌کند: امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) پدران‌ش را در مدینه، عراق و طوس، زیارت می‌کند و به سرزمین ما بر می‌گردد. معنای این سخن، آن است که سید شمس‌الدین از سفرهای امام زمان و ورود و خروج آن حضرت نیز مطلع بوده و آن حضرت، در جزیره خضرا ساکن است. حال چگونه کسی که چنین اطلاعات دقیقی از امام (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) دارد آن حضرت را ندیده است؟